

اصطلاح توده نفتی از کجا پیدا شد و چرا؟

محمدعلی عموی

مجله دنیا با مدیریت دکتر ارانی چند نسخه منتشر شد؟

اگر منظور انتشار مجله دنیا در زمان دکتر ارانی است، درست به خاطر ندارم، اما تعداد نسخه منتشر شده در فاصله 1313 تا 1316 چندان زیاد نیست. اما، پس از تاسیس حزب توده ایران «مجله دنیا»، چه در دوران فعالیت علنی حزب، چه به هنگام فعالیت مخفی و چه به هنگام استقرار مرکز حزب در مهاجرت، تقریباً به طور مرتب در دوره‌های متوالی چاپ و انتشار یافته است. حزب توده ایران (در ابتدای تاسیس) برای این که مرکزیتی داشته باشد و بعد کنگره موسس خود را تشکیل دهد و مسوولان آن انتخاب شوند، دکتر **نورالدین الموتی** را به عنوان اولین دبیر حزب برگزیده و یک یک همین افراد موسس مسوولیت‌هایی برای سنجش‌های گوناگون تشکیلاتی، تبلیغاتی، انتشاراتی و مالی حزب را سامان می‌دهند.

ساختار تشکیلاتی حزب توده چگونه بود؟

عموی- ساختار تشکیلاتی احزاب کمونیست معمولاً مشخص است. به این صورت که یک مرکزیت رهبری دارد به نام کمیته مرکزی و بعد از آن به دو صورت هرمی و افقی بسط می‌یافت. کمیته‌های ایالتی، ولایتی، بخش و قاعده هرم تشکیلاتی را به وجود می‌آورد و در سطح افقی شعبه‌های تشکیلات، تبلیغات، تعلیمات، مالی، کارگری، دهقانی و ... به ترتیب چارت سازمانی شکل می‌گیرد. با توجه به این که هنوز فاشیسم در دنیا بیداد می‌کرد و در عین حال صلاح حزب در تناسب با جامعه ایران، چنین اقتضا می‌کرد که به صورت حزبی توده ای باشد، نه به عنوان یک حزب کمونیست و نه مطرح کننده مارکسیزم لنینیزم در ایران یا حزب طبقه کارگر ایران و به همین علت میانی‌پی که برای جذب افراد مطرح می‌شد بیشتر یک جنبه ضد فاشیستی و توده ای و مردمی داشت. مثلاً مسائل توده‌های زحمتکشان اعم از دهقانان، کارگران، پیشه‌وران، همه جزو برنامه اولیه برای رفاه و بهبود زندگی آن‌ها بود.

آیا در جلسه اولیه، نسبت به مذهب، موضع‌گیری انجام شده بود؟

عموی- خیر ابد. اساساً حزب توده ایران هیچوقت یک موضع ضد مذهبی نداشته است. حتی زمانی هم که به عنوان حزب طبقه کارگر با ایدئولوژی مارکسیزم معرفی می‌شد هرگز به هیچ وجه موضع ضد مذهبی نمی‌گرفت. از ویژگی‌های حزب توده، این وجه بارز است که چون اکثریت مردم این مملکت را مردمی معتقد به دین و مذهب می‌داند و از آنجا که اعتقاد دارد پایه‌های گسترش حزب، توده‌های مردم هستند، در نتیجه حتی شرط عضویت در حزب را به هیچ وجه لامذهب و ضد مذهبی بودن قرار نمی‌داده است.

آیا حزب سوسیالیست‌های خدایپرست در تقابل با حزب توده به وجود نیامد؟

عموی- خیر این گروه و آقای نخشب ضمن تاکید بر مردمی بودن و باور به نوعی سوسیالیسم، روی مساله خدایپرستی‌شان نیز تکیه داشت. اصلاً حزب توده ایران بر ضدیت با مذهب تکیه نمی‌کرد و به همین علت هم اعضای داشت که مذهبی بودند یعنی حزب

توده ایران هیچ مخالفتی با این امر نداشت. مثلا اگر کسی اهل نماز و روزه بود و در عین حال برنامه حزب را قبول داشت می‌توانست عضو حزب توده ایران باشد.

آیا آقای نخشب موسس حزب سوسیالیست‌های خدایپرست با آن 53 نفر و حزب توده ارتباطاتی داشت؟

عمومی- خیر. همانطور که اشاره کردم بعد از شهریور 20 و فروپاشی جامعه بسته رضاشاهی، فضای مساعدی برای فعالیت‌های سیاسی شکل گرفت. در جهات مختلف سازمان‌های سیاسی شروع به فعالیت و شکل‌گیری کردند. حزب توده ایران بر مبنای اندیشه‌های یاران دکتر ارانی پایه‌گذاری شد. ملیون نیز به اشکال گوناگون احزابی تاسیس کردند. مثل حزب ایران توسط کسانی مثل دکترسنجایی، زیرک زاده، حزب سوسیالیست‌های خدایپرست و ... البته تعداد افراد خیلی اندک بود و شاید از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد. حزب توده ایران به سرعت به صورت یک سازمان توده‌ای درآمد و فراگیر شد زیرا این حزب بر مبنای خواست ملموس زحمتکشان برنامه‌ریزی شده بود؛ جز جاهایی که قدرت فائقه حکومتی می‌توانست از آن جلوگیری کند. مثلا جالب است که این حزب می‌خواست حزب طبقه کارگر شود و منطقه کارگر نشین آن زمان ایران، خوزستان و کارگران شرکت نفت مورد توجه بود، اما خوزستان جزو دورترین جاهایی بود که حزب نتوانست سازمان حزبی خود را به وجود آورد و این دقیقا به لحاظ تسلطی بود که شرکت نفت انگلیس و ایران در آنجا داشت. زیرا استاندارها، روسای ژاندارمری و نیروی نظامی و انتظامی همه زیر سلطه شرکت نفت بودند. در واقع شرکت نفت همه کاره منطقه بود. اصولا استانداران خوزستان فرمانبر دستورات رییس شرکت نفت ایران و انگلیس بودند. با این همه، هر چند دیرتر، اما سرانجام حزب توده ایران در آنجا هم به وجود آمد، چون شرایط به گونه‌ای بود که بستر لازم برای شکل‌گیری نهادی توده‌ای که خواست‌های ملموس مردم را مطرح کند، آماده بود.

استقبال مردمی از این احزاب و حزب توده چگونه بود؟

عمومی- در آن احزاب توده مردم کمتر حضور داشتند و در واقع آنها از یک عده روشنفکران تشکیل شده بودند. احزاب دیگری نظیر حزب پان ایرانیست که عمدتا درباری بود و با تبلیغات افراطی ناسیونالیستی که رییس آن آقای پزشکپور بود و جوانی به نام فروهر در کنار او فعالیت می‌کرد، البته بعدها این دو از هم جدا شدند، وقتی نهضت ملی شکل گرفت داریوش فروهر از پزشکپور جدا شد و حزب «ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم» به وجود آورد و اولی همچنان پان ایرانیست و حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم بود. اولی همچنان پان ایرانیست باقی ماند که به دربار وابسته بود ولی داریوش فروهر و حزبش به طرف ملیون گرایش پیدا کرده و بعدا با شکل‌گیری جبهه ملی عضوی از آن شدند.

آیا هیچ حزبی در رقابت با حزب توده شکل نگرفت؟

عمومی- هم زمان با تاسیس حزب توده ایران و شکل‌گیری تشکیلات سراسری آن، یک حزب نوظهور با نام **حزب سوسیالیست ایران** نیز اعلام موجودیت کرد. در حالی که حزب توده ایران هنوز موفق به افتتاح شعبه تشکیلاتی خود در خوزستان نشده بود، این حزب در آن استان آزادانه به فعالیت دست زد و شماری از کارمندان شرکت نفت جنوب را به عضویت درآورد. رهبران این حزب کسانی چون مصطفی فاتح، شهیدزاده و عباس نراقی بودند. در روند تشکیل جبهه ضدفاشیست این حزب نیز شرکت داشت. در واقع برای خنثی کردن حضور و تبلیغات حزب توده ایران و به توصیه و حمایت شرکت نفت پا گرفت و اتحادیه‌ای هم به سرپرستی یوسف افتخاری رسالت جذب کارگران شرکت

نفت را عهده دار شد. اما زمان زیادی نگذشت که با حضور حزب توده ایران و شورای متحد مرکزی کارگران دیگر نه از حزب سوسیالیست ایران خبری بود نه از اتحادیه کارگری یوسف افتخاری.

آیا در این دوران شکل‌گیری احزاب به جز حزب توده، حزب مارکسیستی دیگری در ایران به وجود نیامد؟

عموئی- خیر، یگانه حزب مارکسیستی همان حزب توده ایران بود و تا دومین کنگره حزب توده ایران مارکسیسم به عنوان مرام عقیدتی حزب اعلام رسمی نشد؛ اما در حوزه‌های حزب و سازمان جوانان افزون بر مبحث اقتصاد سیاسی مارکسیستی، ماتریالیسم دیالکتیک نیز تدریس می‌شد.

یعنی تا این موقع هنوز حزب توده بعد مارکسیستی خود را نشان نداده بود؟

عموئی- بله. دقیقاً، در این زمان يك جبهه ضدفاشیستی در ایران پدید آمد که وجه بارز آن مطبوعات بود. در واقع يك جبهه ضدفاشیستی از روزنامه‌ها شکل گرفت. مثل روزنامه‌های «مردم» متعلق به حزب توده ایران و «آریا» که بعداً به قوام‌السلطنه و حزب دموکرات او پیوست. یعنی ملغمه‌ای از جریان‌های چپ، ملی و راست در این جبهه ضدفاشیستی حضور داشتند. مثلاً مصطفی فاتح که یکی از چهره‌های شناخته شده انگلیسی بود برای پا گرفتن این حرکت دفتر خود را در اختیار روزنامه مردم ارگان حزب توده ایران قرار می‌داد. آنچه بعداً مستمسک مخالفین حزب توده ایران و نیز به کاربردن اصطلاح «توده نفتی» توسط دکتر مصدق شد اشاره به روندی است که مصطفی فاتح با تشکیل حزب سوسیالیست و با ارایه خود به عنوان چهره‌ای که به توده‌ای‌ها نزدیک است و تمایلات توده‌ای دارد عده‌ای را دور خود جمع کرد، در حالی که او يك چهره انگلیسی بود. در حقیقت به کار بردن اصطلاح توده نفتی معطوف به این قسمت همکاری طرفداران انگلیس، حزب توده و ملی‌هاست که مجموعاً يك جنبش ضدفاشیستی را ایجاد کرده‌اند. در عرصه جهانی نیز يك بلوک ضدفاشیستی مرکب از امریکا، انگلیس، فرانسه و شوروی در مقابل محور ژاپن، ایتالیا و آلمان به وجود آمده بود. اما با گذشت زمان کم‌کم ماهیت‌ها و مرزها، مرزبندی مشخص می‌شود. همه کسانی که در جبهه ضدفاشیستی فعالیت می‌کردند به تدریج در موضع اصیل خود قرار می‌گیرند. حزب توده ایران که دقیقاً می‌بیند انگلستان غارتگر سالیان دراز نفت ایران و به وجودآورنده کودتای 1299 و سرکوبگر جنبش‌های آزادیخواهانه در شمال و سراسر مملکت بوده است، همچنین از بین برنده همه چهره‌های برجسته ایران اعم از دکتر ارانی، مدرس، سردار اسعد و فرخی یزدی به دست عوامل سرسپرده‌اش بوده است نسبت به آن موضع‌گیری می‌کند و افراد نابابی را که نیتی غیر از خدمت به زحمتکشان به عضویت حزب درآمده بودند مانند عباس نراقی، محمد یزدی، عباس اسکندری و عبدالقدیر آزاد را از حزب بیرون می‌ریزد. به این ترتیب آرام آرام مرزبندی‌ها خود را مشخص کردند. دیگر احزاب مثلاً حزب «عدالت» علی‌دشتی و حزب «اراده ملی» سیدضیاء طباطبایی به وجود می‌آید که هر کدام مواضع کاملاً مشخصی داشتند و جهت‌گیری سیاسی آن‌ها بیانگر این است که ادامه‌دهنده حمایت از مصالح و منافع هستند که زمانی انگلستان آن را توسط حکومت اعمال می‌کرد اما حالا به علت بستر فعالیت سیاسی ایجاد شده در کشور (ایران) می‌خواهد آن را به صورت احزاب پدیدار کند.